**نقش موسیقی آوازی در یادگیری زبان فارسی به عنوان زبان خارجی**

**چکیده**

ارتباط و شباهت­های میان زبان و موسیقی و نقش مثبت موسیقی در زبان­آموزی انکارناپذیر است. در سال­های اخیر تمایل زیادی به استفاده از آموزش زبان مبتنی بر موسیقی طی فرآیند یادگیری زبان خارجی برای بهبود قابلیت­های زبانی زبان­آموزان وجود دارد. هدف این پژوهش بررسی نقش موسیقی در یادگیری زبان فارسی به عنوان زبان خارجی است. نقش و فواید موسیقی در یادگیری زبان خارجی از ابعاد گوناگونی قابل بررسی است. شواهد نشان می­دهد موسیقی اضطراب زبان­آموزان خارجی را کاهش و انگیزه آنان را افزایش می­دهد و دانش (آوایی، واژگانی، دستوری، و ...) و مهارت­های زبانی (خواندن، نوشتن، شنیدن و صحبت کردن) آنان را تقویت و زبان­آموزی را تسهیل می­نماید. شباهت­های زیادی بین موسیقی و زبان فارسی وجود دارد. زیرا زبان فارسی نیز مانند موسیقی از الگوهای ریتمیکی برخوردار است که کمک می­کند فارسی­آموزان بهتر و سریعتر زبان فارسی را یاد بگیرند. اما به اهمیت و ضرورت موسیقی به­ویژه موسیقی زبان فارسی در فرآیند یادگیری زبان فارسی توجهی نشده است. در این مقاله با استفاده از روش اسنادی به نقش موسیقی آوازی در یادگیری زبان فارسی به عنوان زبان خارجی پرداخته می­شود. نتایج نشان می­دهد موسیقی به­ویژه موسیقی آوازی می­تواند فارسی­آموزی را تسهیل و مهارت­ها و دانش ادبی و زبانی و توانش ارتباطی فارسی­آموزان خارجی را تقویت نماید به­ویژه هنگامی که یادگیری زبان فارسی از طریق موسیقی آوازی در گروه اتفاق می­افتد. زیرا یادگیری گروهی و هم­آوازی اضطراب فارسی­آموزان را کاهش و انگیزه و توانش زبانی و ارتباطی آنان را افزایش می­دهد.

**کلیدواژه­ها:** موسیقی، موسیقی آوازی، زبان­آموزی، زبان فارسی، فارسی­آموزان

**1. مقدمه**

موسیقی هنر بیان احساسات به­وسیله­ی آواهاست که مهم‌ترین عوامل آن، صدا و ریتم هستند. به عقیده­ی برخی از پژوهشگران، موسیقی در آغاز حیات بشر پیش از زبان پدید آمده است (Murphey, 1990, p. 94). اما شاید آغاز موسیقی را لحظه‌ای باید دانست که مردم ناگزیر شدند برای تفهیم و تفهم به اصوات متوسل شوند. بنابراین، چنین بر می‌آید که موسیقی از زبان مشتق شده ‌است. اما این نکته را باید در نظر گرفت که چه موسیقی از زبان یا زبان از موسیقی مشتق شده باشد به هر حال «زبان و موسیقی هر دو خاص انسان و دارای سیگنال­های بسیار ساختار یافته، همراه با ابعاد چندگانه در طول محورهای دامنه و زمان برای درک ساختارهای پایه و پیچیده­اند.» (Madanifard, 2019, p. 109). در واقع، «گفتار و موسیقی سیگنا­ل­های شنوایی هستند که سرنخ­های آکوستیکی (دیرش، فرکانس، شدت و آهنگ) مشابهی دارند.» (Mohammadzadeh & Sajadi, 2019, p. 237).

شباهت‌­های بسیاری بین زبان و موسیقی وجود دارد، نه‌ فقط به این دلیل که از آن‌ها برای انتقال پیام‌ و معانی استفاده می‌شود بلکه به این معنی که موسیقی و زبان در درجه­ی اول بر روی صدا متمرکز هستند. از این­رو، اولین و مهم­ترین عنصر وحدت­بخش و مشترک موسیقی و زبان صدا یا "آوا" است. علاوه بر ارتباط میان آواهای موسیقی و آواهای زبان، «عناصری مانند کشش زمانی، زیر و بمی، شدت، رنگ صدا و ریتم که همگی در زبان گفتاری نیز مشاهده می­شوند، اشتراکات میان موسیقی و زبان یا استفاده از موسیقی در ارتباط با زبان را روشن­تر می­سازند.» (Bahrami, 2021, p. 377). زیرا گفتار و موسیقی هر دو با سلسله مراتبی از ریتم­ها مشخص می­شوند و پایه هر زبان ریتم است. «زبان مثل موسیقی، الگوهای ریتمیک قدرتمندی دارد.» (Madanifard, 2019, p. 103) و «طیف وسیعی از هیجانات از طریق آهنگ گفتار ابراز می­شود. ریتم موسیقی مشابه با الگوهای تأکید کلامی است، همان­طور که در شعر و موسیقی می­بینیم.» (Madanifard, 2019, p. 105). بنابراین ریتم به یادگیری زبان کمک می­کند و موسیقی نقش مهمی را در زبان­آموزی ایفا می­نماید. آموزش ریتمیک منجر به تشخیص بهتر ریتم کلام و تقویت گفتار (واج­ها، کلمات، جملات و ...) می­شود. از طرفی، آموزش گفتار مبتنی بر موسیقی بر درک طنین نیز مؤثر است و شنونده را قادر به تشخیص واج­های ادا شده توسط گویندگان مختلف با صداهای متفاوت می­سازد (Maleki & Moossavi, 2022, pp. 6-7).

موسیقی و شعر نیز بسیار به هم وابسته­اند و این نکته را «بشر از دیرباز می­دانسته که هرگاه دو هنر شعر و موسیقی با هم آمیخته شود، اثرش بیشتر خواهد بود و شاعر و موسیقی­دان حقیقی اغلب به کسی گفته­اند که از این دو هنر سهمی به­سزا داشته است.» (AbdolAlipour, 2020, p. 152). "شعر در حقيقت موسيقي كلمه‌ها و لفظ‌هاست و غنا، موسيقي الحان و آهنگ­ها و جمع ميان شعر و موسيقي جمع ميان موسيقي الفاظ و موسيقي الحان است" (Shafiei Kadkani, 2007, p. 44). بنابراین شعر، كلامي داراي عناصر زبانی و موسيقایي است. "موسيقي و شعر از ديرباز با يكديگر توأم بوده­اند... به­خصوص در كشور ما كه هنوز شعر جزء لاينفك موسيقي است و همواره كلمه‌ي ساز و آواز با هم به كار برده مي‌شود" (khaleghi, 2002, p. 285). از این­رو، پيوند موسيقي و شعر در فرهنگ ايراني-اسلامي ناگسستني است. انتزاعي بودن موسيقي و قابل فهم‌تر شدن آن در پيوند با شعر بر لزوم به رسميت شناختن اين پيوند و بها دادن به این دو هنر ارزشمند تأکید مي‌نمايد. البته این نکته را نیز باید در نظر گرفت که آواز و گفتار نیز به هم شباهت دارند «آواز، سخن کشیده است، ما مصوت­ها را می­کشیم و زیر و بم خاصی به آن­ها می­دهیم، ولی حتی گفتار معمولی نیز نوعی ساختار نوایی دارد که آهنگ نامیده می­شود.» (Madanifard, 2019, p. 104). بنابراین موسیقی به­ویژه موسیقی آوازی در بهبود زبان فارسی فارسی­آموزان خارجی مؤثر و توجه به فواید آن ضروری است. هدف از انجام این پژوهش بررسی «نقش موسیقی آوازی در فارسی­آموزی» است امری که قبلاً بدان اهمیت داده نشده است. با توجه به اهمیت این موضوع و فقدان پژوهش در این زمینه، در این مقاله به این سؤال پاسخ داده می­شود که «نقش موسیقی به­ویژه موسیقی آوازی در یادگیری زبان فارسی به عنوان زبان خارجی چیست؟»

**2. چارچوب نظری**

با توجه به هدف پژوهش –نقش موسیقی آوازی در یادگیری زبان فارسی- مبنای نظری پژوهش، ارتقاء توانش ارتباطی فارسی­آموزان در نظر گرفته شد. اصطلاح توانش ارتباطی را هایمز(Hymes, 1972)، زبان­شناس اجتماعی در نقد محدودیتِ تعریف چامسکی (Chomsky, 1965) از توانش -به دلیل در نظر نگرفتن عوامل اجتماعی- مطرح ساخت. بعدها دیگران طبقه­بندی­هایی از این توانش ارائه دادند. کنل و سوآین (Canale & Swain, 1980) توانش ارتباطی را به توانش­های «دستوری»[[1]](#footnote-1)، «گفتمانی»[[2]](#footnote-2)، «زبان­شناختی اجتماعی»[[3]](#footnote-3) و «راهبردی»[[4]](#footnote-4) تقسیم نمودند که:

* توانش دستوری: بخشی از توانش ارتباطی است که شامل دانش زبانی (آوایی، واژگانی، دستوری و معنایی) و در حد ادای جملات است.
* توانش گفتمانی: بخشی از توانش ارتباطی است که از دانش زبانی برای ادای فراتر از جملات در گفت­وگوها استفاده می­شود.
* توانش زبان­شناختی اجتماعی: بخشی از توانش ارتباطی است که به نقش دانش فرهنگی-اجتماعی برای شرکت در گفت­وگوها می­پردازد.
* توانش راهبردی: بخشی از توانش ارتباطی است که فرد را قادر به برقراری ارتباطی موفق حتی بدون دانش زبانی کافی می­سازد.

باخمن (Bachman, 1990) نیز طبقه­بندی مذکور را با تغییراتی ارائه و توانش ارتباطی را به دو بخش «سازمانی»[[5]](#footnote-5) و «کاربردشناختی»[[6]](#footnote-6) تقسیم کرد: توانش گفتمانی را با عنوان «توانش متنی»[[7]](#footnote-7) و به همراه توانش دستوری زیرشاخه­ی توانش سازمانی قرار داد، و توانش زبان­شناختی اجتماعی را زیرشاخه­ی توانش کاربردشناختی در نظر گرفت. توانش ارتباطی به هر توانشی تقسیم شود در مجموع توانشی خواهد بود که زبان­آموزان را قادر به برقراری ارتباط با افراد جامعه­ی زبانی مقصد می­نماید. یادگیری زبان فارسی به همراه موسیقی و موسیقی آوازی توانش زبانی و ارتباطی فارسی­آموزان خارجی را تقویت خواهد نمود.

**3. پیشینه­ی پژوهش**

موسیقی موجب پیشرفت یادگیری از نظر کمی و کیفی می­شود و به جاافتادن مطالب یادگرفته شده در ذهن منجر می­شود و زبان­آموز را به یادگیری بیشتر ترغیب می­نماید. بعضی از پژوهشگران ایرانی به فواید و تأثیر موسیقی به­ویژه موسیقی کلاسیک و آوازی بر انگیزه، دانش، مهارت و موسیقی زبانی پرداخته­اند که در ادامه به برخی از آن­ها اشاره می­شود:

* جعفری روحی (Jafari Rouhi, 2009) به بررسی تأثیر موسیقی در آموزش و یادگیری زبان فارسی می­پردازد و به این نتیجه می­رسد که موسیقی در آموزش و یادگیری تأثیر بالایی دارد و آموزش همراه با موسیقی در یادگیری موفقیت بیشتری به دنبال دارد.
* محمدی و رضایتی (Mohammadi Kalesar & Rezayati Kisheh Khaleh, 2011) به بررسی چگونگي تطابق الگوهاي زباني با نمونه­هاي آوازي و ارائه­ی راهکارهايی در موسيقي آوازي براي حفظ اين تطابق و تأثير کميت هجا در شکل­گيري وزن و تأثير تکيه در گردش ملودي (1. ميزان کشش هجاها در واژگان فارسي و کشش نت­هاي موسيقي که مي­تواند به شکل­گيري وزن در آواز بينجامد و 2. ايجاد الگوهاي ملوديک در آواز ايراني در اثر تغيير ارتفاع صوت در هجاهاي تکيه­بر و تغيير آهنگ کلام در انواع جملات زبان فارسي (پرسشي، شرطي، امري، مرکب و ...)) پرداخته و این­که وجود اين ويژگي­ها در شعر، چه تأثيري بر شکل­گيري آهنگ و الگوهاي آوازي داشته است. به اعتقاد آنان انتخاب و شيوه خواندن شعر از سوي آوازخوان، يکي از مهم­ترين بخش­هاي موسيقي آوازي محسوب مي­شود و اهميت اين نکته را بايد در نقش شعر در شکل­گيري جملات موسيقايي جستجو کرد. چنان­که مي­توان گفت شيوه­ی اداي شعر در آواز افزون بر انتقال معنا ويژگي­هاي موسيقايي زبان را نيز منتقل مي­کند (Mohammadi Kalesar & Rezayati Kisheh Khaleh, 2011, p. 95).
* نتايج بررسي قاسم­زاده و مدرسی (Ghasemzade & Modarresi, 2014) از «تأثير موسيقي کلاسيک موتسارت بر کيفيت ترجمه دانشجويان مترجمي زبان انگليسي و ارتباط آن با ويژگي شخصيتي درونگرايي و برونگرايي» نشان می­دهد که سطح ميانگين نمرات گروهي که با شنيدن موسيقي ترجمه کردند در مقايسه با گروهي که بدون موسيقي ترجمه نمودند بالاتر است. در نتيجه در کلاس­هاي ترجمه مي­توان براي ايجاد انگيزه در دانشجويان از موسيقي کلاسيک استفاده نمود.
* صاحبدل و خدادوست (Sahebdel & Khodadust, 2014) تأثیر مثبت موسیقی پس­زمینه را بر مهارت خواندن و درک مطلب زبان­آموزان ایرانی که زبان انگليسي را به عنوان يک زبان خارجي می­آموختند نشان دادند.
* بهرامی (Bahrami, 2021) به بررسی نقش موسیقی در یادگیری زبان آلمانی به عنوان زبان خارجی بر پایه تحلیل کتب آموزشی پرداخته و نشان می­دهد علی­رغم آن­چه از نقش و اهمیت موسیقی و ظرفیت آموزشی موجود در آن گفته می­شود، کتب آموزشی بهره کافی را از موسیقی این ابزار محبوب میان جوانان نبرده­اند.

از پژوهش­های خارجی نیز می­توان به پژوهش مالارسکی (Malarski, 2021) اشاره نمود که به نقش مؤثر و تأثیر مثبت موسیقی بر تلفظ مصوت­های انگلیسی توسط یادگیرندگان زبان انگلیسی می­پردازد و تمرین موسیقی و مهارت­های موسیقایی را بر یادگیری لهجه­ی یک زبان خارجی بسیار مفید می­داند. همچنین می­توان به دولین (Dolean, 2015) اشاره کرد، او در پژوهش خود در میان گروهی از زبان­آموزان که زبان فرانسه را به عنوان زبان خارجی می­آموختند، تأثیر استفاده از موسیقی را در کاهش ترس و اضطراب این افراد بررسی کرد و به این نتیجه رسید که گروهی که به همراه موسیقی آموزش دیده­ بودند، به مراتب ترس و اضطراب کمتری برای شرکت در فعالیت­های کلاسی داشتند. اسمالی و سایین (Asmali & Sayin, p. 2020) همین موضوع را دستمایه پژوهش خود در ارتباط با زبان­آموزان زبان انگلیسی قرار دادند و در پایان نتیجه­گیری ­کردند که موسیقی تأثیر مستقیمی بر کاهش ترس و اضطراب زبان­آموزان داشته است. علاوه بر این، لودکه (Ludke, 2018) در پژوهش خود به این نتیجه می­رسد که استفاده از موسیقی در یادگیری زبان خارجی، انگیزه­ی زبان­آموزان را تا میزان قابل توجهی افزایش می­دهد.

**4. روش­شناسی پژوهش**

پژوهش حاضر با رویکردی کیفی و روش اسنادی به نقش موسیقی به­ویژه موسیقی آوازی در یادگیری زبان فارسی می­پردازد. «روش اسنادی یعنی تحلیل آن دسته از اسنادی که شامل اطلاعات درباره­ی پدیده­هایی است که قصد مطالعه­ی آن­ها را داریم.» (Sadeghi Fasai & Erfanmanesh, 2015, p. 65). در این روش، پژوهشگر داده­های پژوهشی خود را از بین منابع و اسناد جمع­آوری می­کند (Sadeghi Fasai & Erfanmanesh, 2015, p. 63). البته «جمع­آوری منابع مرحله­ای جدا از مطالعه­ی آن­ها نیست زیرا با مطالعه­ی بیشتر و عمیق­تر است که زوایای آشکار و پنهان موضوع مشخص شده و پژوهشگر را به سمت بررسی­های عمیق­تر رهنمون می­سازد» (Sadeghi Fasai & Erfanmanesh, 2015, p. 73) که «می­تواند از سطح توصیف فراتر رفته و به تفسیر و تحلیل پدیده یا موضوع نائل آید.» (Sadeghi Fasai & Erfanmanesh, 2015, p. 71). «در روش اسنادی، علاقه­ی پژوهشگر این است که از فهم مقاصد و انگیزه­های اسناد و متون یا تحلیل­های تأویلی یک متن خارج شده و آن را به عنوان زبان مکتوب و گفتمان نوشتاری نویسنده، پذیرفته و مورد استناد قرار دهد.» (Sadeghi Fasai & Erfanmanesh, 2015, p. 65). «روش اسنادی، در مقام یک روش مستقل، می­تواند از تکنیک­های پژوهشی متعددی از جمله فراتحلیل­های کیفی، تحلیل محتوا، تحلیل مجدد آمارها، تحلیل ثانویه، کدگذاری و طبقه­بندی بهره بگیرد.» (Sadeghi Fasai & Erfanmanesh, 2015, pp. 70 & 87). در این روش سؤالاتِ چرایی، از نوع تبیین تفسیری­اند و سؤالاتِ چگونگی، در سطح نظری قرار دارند (Sadeghi Fasai & Erfanmanesh, 2015, p. 71).

**5. ارائه و تفسیر یافته­ها**

«در حالی که فرهنگ­های مختلف، انواع مختلفی از موسیقی دارند، به نظر می­رسد که بین زبان و موسیقی پیوندی فراگیر وجود داشته باشد.» (Madanifard, 2019, p. 105). البته هرچند موسیقی نیز مانند زبان متأثر از پیشینه و تجربیات قومی است و می­تواند بیان کننده و انتقال دهنده­ی فرهنگی خاص (فرهنگ آفریقایی، شرقی، و ...) باشد؛ اما باید «به این نکته اشاره کرد که موسیقی زبانی جهانی است و برای فهم آن ضرورتاً نیازی به کلام نیست. این وجه از موسیقی را می­توان به عنوان یکی از دلایل استفاده از آن در آموزش زبان خارجی برشمرد.» (Bahrami, 2021, p. 377).

شواهد نشان می­دهد زبان­آموزانی که تمرین موسیقایی دارند، در مباحث مرتبط با آواشناسی و واجشناسی با سهولت بیشتری به فراگیری زبان خارجی ادامه می­دهند (Degrave, 2019, p. 413). البته نقش موسیقی در یادگیری زبان خارجی را می­توان از ابعاد گوناگون مورد بررسی قرار داد: شباهت موسیقی با زبان، ارتقاء میزان انگیزه زبان­آموزان، جلوگیری از ترس و اضطراب زبان­آموزان برای شرکت در فعالیت­های کلاسی، فهم بهتر متون ادبی و تقویت فراگیری تلفظ صحیح واژگان، از جمله موضوعاتی­اند که اهمیت موسیقی در فرآیند یادگیری زبان خارجی را نشان می­دهند (Bahrami, 2021, p. 375). اما همه­ی این موارد را باید تأثیر موسیقی بر مغز دانست.

«موسیقی به دلیل ارتباط با بسیاری از فعالیت­های پیچیده­ی مغزی مانند درک، شناخت، حافظه و یادگیری واسطه­ای مناسب جهت عملکردهای مختلف مغزی [از جمله زبانی] است.» (Mohammadzadeh & Sajadi, 2019, p. 235). مغز، زبان را به‌گونه‌ای موسیقیایی پردازش می‌کند، بنابراین قرار گرفتن در معرض موسیقی، موجب تقویت مهارت شنیداری و گفتاری و درک زبانی می‌شود. از طرفی، با قرار گرفتن در معرض زبان‌ها و موسیقی‌های مختلف قدرت درک صداها و تجزیه و تحلیل قسمت‌هایی از صدا مثل زیر و بمی، طنین و ریتم و در پی آن درک زبانی و موسیقایی نیز افزایش می­یابد.

مطالعات نشان می­دهند که مناطق مشترک زیادی در مغز کسانی که در حال تحلیل و درک زبان یا موسیقی هستند فعال می‌باشند و نواحي پردازشي و ادراکي موسيقي با نواحي درگير در درک و دريافت زباني همپوشاني دارند و نحو جملات موسيقايي در همان مناطقي پردازش مي­شود که نحو جملات زباني پردازش مي­شود و فرآیندی که برای یادگیری زبان و موسیقی در مغز اتفاق می­افتد، یکسان است. در واقع زمانی که زبانی یادگرفته می­شود، همان فرآیندهایی در مغز رخ می­دهد که در حال یادگیری موسیقی اتفاق می­افتد. این مسئله نشان می­دهد که فرآیند یادگیری زبان و موسیقی تا چه اندازه به یکدیگر شبیه هستند و در واقع اگر یک فرد بتواند موسیقی را به بهترین شکل ممکن یاد بگیرد، می توان از او انتظار داشت که در یادگیری زبان نیز به بهترین شکل ممکن عمل کند. بنابراین بين تمرين و مهارت يافتن در موسيقي با قابليت­هاي شناختي همچون زبان ارتباط مثبتي وجود دارد. از این­رو، آموزش موسیقی می­تواند اثر تسهیلی بر ابعاد مختلف پردازش گفتار و زبان و تأثیر مثبتی بر درک گفتار به­خصوص در شرایط نویزی و چالش­برانگیز داشته باشد (Dashti, 2002, p. 74; Mohammadzadeh & Sajadi, 2019, pp. 235 & 237; Madanifard, 2019, p. 102; Maleki & Moossavi, 2022, p. 7).

همپوشانی­های عملکردی و ساختاری برای پردازش گفتار و موسیقی در سطح حسی و شناختی موارد زیر را شامل می­شوند:

1. **همپوشانی**[[8]](#footnote-8): همپوشانی شبکه­های مغزی که گفتار و زبان را پردازش می­کنند؛

2. **دقت**[[9]](#footnote-9): موسیقی مطالبات بیشتری نسبت به گفتار در این شبکه­های مشترک ایجاد می­کند این امر به­ویژه در هنگام پردازش پیچ، پردازش زمانی و تحلیل صحنه شنوایی مشهود است؛

3. **عاطفه**[[10]](#footnote-10): فعالیت­های موسیقیایی درگیر کننده شبکه، احساسات مثبت زیادی را برمی­انگیزند؛

4. **تکرار**[[11]](#footnote-11): فعالیت­های موسیقی که این شبکه را درگیر می­کنند، بارها تکرار می­شوند؛

5. **توجه**[[12]](#footnote-12): فعالیت­های موسیقی درگیر کننده این شبکه همراه با توجه متمرکز هستند.

این یافته­ها نشانگر مزیت آموزش موسیقی در سطوح مختلف گفتار و پردازش زبان هستند (Patel, 2011, p, 142 به نقل از Maleki & Moossavi, 2022, p. 4) و فواید و تأثیرات مثبت موسیقی بر زبان­آموزی را نیز نشان می­دهند.

میان موسیقی و ادبیات نیز وجوه تشابهی برقرار است. برای مثال، قطعات موسیقی نیز همچون متون ادبی تفاسیر فردی را به دنبال دارند و این تنوع در تفسیر می­تواند زبان­آموزان را برای شرکت در فعالیت­های کلاسی مرتبط به ویژه صحبت کردن ترغیب کند (Bahrami, 2021, pp. 374-375). علاوه بر این، نتایج پژوهش­ها نشان می­دهد موسیقی در فهم هرچه بهتر متون ادبی نقش بسزایی ایفا می­کند. چرا که زبان­آموزانی که با موسیقی و متون ادبی در کلاس فعالیت داشته­اند، بر این نظرند که موسیقی به کارگرفته شده در کلاس تأثیر مثبتی بر درک مفهوم متن داشته است. علاوه بر این، باید به این یافته نیز اشاره کرد که افرادی که تجربه­ای در موسیقی دارند، در مقایسه با افرادی که تمرین موسیقایی نداشته­اند، از درک بالاتری در تشخیص و فهم آواهای زبان خارجی برخوردارند (Wong, 2007). بنابراین شاید همین پیوند میان موسیقی و زبان و ادبیات دلیل دیگری برای برخی از پژوهشگران حوزه آموزش زبان باشد تا از موسیقی در یادگیری زبان [و ادبیات] خارجی استفاده کنند (Bahrami, 2021, p. 377).

بنا بر آن­چه ذکر شد، موسیقی مطمئناً می­تواند توانش زبانی و ادبی فارسی­آموزان خارجی را تقویت نماید. چرا که از نظر موسیقی­دانان پارسی، موسیقی و زبان پارسی از نظر ساختاری، وزن، آهنگ، و ... به هم شباهت دارند (Talai, 2015, p. 6) و زبان فارسی نیز مانند موسیقی از الگوهای ریتمیکی برخوردار است که کمک می­کند فارسی­آموزان بهتر و سریعتر زبان فارسی را یاد بگیرند. موسیقى سنتى ایران که بسیار ظریف و عمیق است شامل قطعاتى است که در مجموع ردیف موسیقى ایرانى گفته مى‌شود. امتیاز موسیقى ایرانى در امکانات وسیع مقامى و ملودى‌هاى غنى آن است. از آن­جا که فراگیری زبان به­دلیل وجود وزن و ریتم و عبارات آهنگین در گفتار با موسیقی گره خورده است و همچنین به­دلیل تلفیق آن­ها در آواز، یادگیری زبان فارسی با موسیقی آوازی می­تواند مفید باشد. چرا که آواز، گفتار، ریتم و ابراز هیجان از ابزارهای صوتی مشابهی استفاده می­کنند. سخن گفتن و آواز خواندن مشابه هم هستند. آواز صرفاً کشیدن و تنظیم کردن مصوت­هاست. همانند زبان، موسیقی نیز از ظرفیت­های خاص گونه­ی انسان­ها هستند. نت موسیقی مانند حروف با صدای زبان متکی بر شکل فیزیکی لوله­های تشدید کننده، مانند فلوت استخوانی یا صدای زه کمان است (Madanifard, 2019, p. 105). آواز خواندن برای یادگیری ریتم زبان بسیار مؤثر است و کمک می­کند تا نحوه­ی ارتباط کلمات در گفتار متصل آموخته شود. آهنگ­های اصیل ایرانی و آواز خواندن به­ویژه در یادگیری ریتم می­تواند حتی برای کسانی که زبان مادری آن­ها فارسی است بسیار مفید باشد، چه رسد به فارسی­آموزان خارجی. اولین عنصر وحدت­بخش موسیقی و شعر نیز ریتم است. دهلوي اعتقاد دارد ريتم، نخستين و مهمترين عامل مشترك بين شعر و موسيقي آوازي است. وي ضمن تشريح هجابندي كلمات در شعر (هجاي كوتاه، هجاي بلند و هجاي كشيده) مي‌گويد: "با شناخت صحيح ارزش هجاهاي مختلف مي‌توان در برابر امتداد هر يك از هجاهاي شعر، ريتم مناسبي را درموسيقي آوازي (با علائم چنگ و دولاچنگ و سياه) در نظر گرفت" (Dehlavi, 2006, p. 70). این نکته را نیز باید متذکر شد که اغلب شاعران پارسی­گوی با موسیقی انس داشته‌اند و با پشتوانه‌ی همین قرابت توانسته‌اند به خلق آثار ماندگاری نائل آیند. توانایی بسیاری از شاعران مشهور (مانند: رودکی، مولانا، حافظ و ...) در سرایش اشعاری موزون و دلنشین و به­کارگیری نشانه­هایی از موسیقی، نواختن موسیقی و ...، دلالتي است بر وجه موسيقايي قدرتمند اشعارشان و آشنايي نزديك آنان با موسيقي. از سویی دیگر، بسیاری از موسیقی­دانان ایرانی نیز با شعر و شاعری مأنوس بوده و گاه خود شعر سروده و می­نواخته­ و می­خوانده­اند. شاید به همین دلیل است که فارسی­زبانان به آهنگ و ملودی کلام بسیار اهمیت می­دهند.

از ویژگی­های موسیقی سنتی ایران ملودیک بودن و تناسب شعر با موسیقی است و بايستي ملودي و (معناي)كلام با هم تناسب داشته باشند و حتي‌الامكان موسيقي و شعر هيچ­كدام فداي ديگري نشود. البته در تناسب و هماهنگي كامل شعر و ملودي در يك قطعه آوازي، ملودي بايستي داراي احساس موسيقايي باشد تا اگر در شرايطي امر بر اجراي ملودي بدون شعر و آواز دائر شد داراي بيان كامل موسيقايي باشد. به طور كلي موسيقي آوازي توأم با كلام به چهار روش ساخته مي‌شود؛ 1) موسيقي آوازي بر روي شعر ساخته مي‌شود؛ 2) آهنگساز نغمه‌اي براي موسيقي آوازي تصنيف مي‌كند و سپس شاعر بر روي آن، شعر مي‌سرايد؛ 3) آهنگ و شعر در آن واحد باهم ساخته مي‌شوند؛ 4) تركيب روش اول و دوم كه مستلزم همكاري نزديك شاعر و آهنگساز است. از بين روش­هاي ياد شده در روش اول، امكان بيشتري براي رعايت اصول و قواعد پيوند شعر و موسيقي آوازي وجود دارد. بنابراين تطابق شعر و موسيقي در موفقيت يك آهنگ بسيار مهم و مؤثر است و نخستين گام در پيوند شعر و موسيقي آوازي دستيابي به عوامل مشترك اين دو هنر است (Dehlavi, 2006, p. 22). از این­رو، درک این امر (تطابق موسیقی و شعر) و موسیقی خود شعر در آموزش مؤثر زبان و آهنگ کلام اهمیت بسیاری دارد. به اعتقاد شفیعی کدکنی، موسيقي شعر که در به خاطر سپاری در حافظه و سرعت انتقال، تنظیم فکر و احساس، درک و تداعي معاني و القاء مفهوم از راه آهنگ كلمات مؤثر است خود به چهار دسته تقسيم مي‌شود: موسیقی بیرونی، کناری‌، درونی و معنوی (Shafiei Kadkani, 2007, p. 391):

1. **موسيقي بيروني** (وزن و تناسب هجاها): منظور از موسيقي بيروني همان وزن عروضي است که پل ارتباطي شعر و موسيقي آوازي (آواز و تصنيف و ترانه) است.

2. **موسيقي كناري** (قافيه و رديف): موسيقي كناري تنها در قافيه و رديف قابل تطبيق است چه قافيه و رديف در آخر مصراع­ها قرار ‌گيرد و چه در داخل مصراع‌ها واقع شده باشد.

3. **موسيقي درونی**: موسيقي درونی از تناسب حروف و اصوات حاصل مي‌شود و بر تنوع و تكرار تكيه دارد.

4. **موسيقي معنوي**: اين نوع موسيقي از تناسب معنايي كلمات بدست مي‌آيد و جلوه‌هاي آن در تضاد، طباق، ايهام، مراعات‌النظير و ساير صنايع معنوي و ارتباط پنهاني كلمات ظهور می‌یابد.

مهمترين نكته‌اي كه در خواندن درست شعر (مخصوصاً اشعار غير كلاسيك) بايد بدان توجه‌كرد كشف موسيقي ذاتي هر شعر است. به ديگر سخن، كشف موسيقي ذاتي شعر، چگونه خواندن را به ما مي‌آموزد. همچنین، با توجه به ميزان‌بندي‌هاي مختلفي كه بر يك وزن عروضي خاص قابل اجرا است و با تسلط بر مفهوم شعر و فن موسيقي و "وزن درونی" که موسیقی سحرآمیز نهفته در واژه­ها است مي‌توان ملودي‌هاي دلنوازي را خلق نمود. چرا که "وزن درونی" حتي در اشعاري كه بهره‌اي از وزن عروضي ندارند می‌تواند حلقه‌ی اتصال اشعار منثور و موسیقی در آوازخوانی باشد. در واقع «وزن نوعي تناسب است. تناسب كيفيتي است حاصل از ادراك وحدتي در ميان اجزاء متعدد. تناسب اگر در مكان واقع شد آن را قرينه مي‌خوانند و اگر در زمان واقع شد وزن خوانده می‌شود» (Natel Khanlari, 2007, p. 24). نيما رابطه‌ي وزن و شعر را به حدي مي‌دانست كه مي‌گفت: شعر بي­وزن شباهت به انسان برهنه و عريان دارد (Shafiei Kadkani, 2007, p. 51). البته نه تنها وزن در شعر اهمیت دارد بلکه «ریتم یا وزن بعدی از گفتار است، همان­طور که می­توانیم آن را در الگوهای تأکیدی جملات گفتاری مشاهده کنیم.» (Madanifard, 2019, p. 105).

با توجه به آن­چه ذکر گردید موسیقی می­تواند قدرت تشخیص ریتم، وزن، آهنگ و طنین کلام را تقویت نماید که این امر می­تواند بر زبان­آموزی تأثیر بگذارد. از طرفی، درک و بیان گفتار از اصول ارتباطات اجتماعی است که وابسته به اولین مهارت زبانی یعنی گوش کردن است. پس افزایش کیفیت و دقت آن به بهبود ارتباطات کلامی در اجتماع منجر می­شود. جهت فهمیدن پیام یک فرد باید توانش پردازش سه ویژگی اساسی صدا شامل زیر و بمی، زمان­بندی و آهنگ وجود داشته باشد. پردازش این عناصر جهت فهمیدن گفتار و موسیقی ضروری است (Mohammadzadeh & Sajadi, 2019, p. 236). شواهد نیز نشان­دهنده­ی وجود سامانه­های مشترک بین پردازش موسیقی و زبان است (Madanifard, 2019, p. 109) و موسیقی تأثیری مثبت بر شناخت و اجزای شناختی از جمله حافظه، توجه و عملکردهای اجرایی، همچنین ادراک گفتار و اجزای آن مانند شدت، فرکانس اصوات، واج­ها، فورمنت­ها (قله­های طیفی)، هجاها یا کلمات دارد که موجب درک کلمات و جملات می­شود. از این­رو، یادگیری موسیقی تشخیص و پردازش این سه ویژگی (زیر و بمی، زمان­بندی و آهنگ) صدا را تسهیل می­نماید. همچنین، فراگیری موسیقی فقط شامل درک درست و تولید صدا نمی­باشد، بلکه ارتباط میان این اصوات است که می­تواند باعث بهبود عملکردهای شناختی و پردازش سیستم شنوایی و در نتیجه درک بهتر گفتار (شنیدن، تفسیر و فهمیدن اصوات زبانی) شود (Mohammadzadeh & Sajadi, 2019, pp. 235-236). برخی دیگر از کاربردهای موسیقی در درک و یادگیری زبان فارسی را می­توان این­گونه برشمرد:

* **یادگیری، به­خاطر سپاری، حدس زدن معنی و درک ساختار لغات، عبارات، اصطلاحات و نحوه­ی ساخت جملات به صورت آگاهانه و ناخودآگاه**: در یک تصنیف یا ترانه معمولاً کلمات و جملات چندین بار تکرار می­شوند و به همین دلیل سریعتر به خاطر سپرده و با شنیدن مجدد آهنگ به سرعت به یاد آورده می­شوند. این امر به فارسی‌آموزان فرصت می‌دهد تا نه تنها کلمات را یاد بگیرند، بلکه به خوبی ارتباط بین کلمات را هم درک کنند. با گوش کردن به موسیقی با کلام فارسی، فارسی­آموز لغات، عبارات و اصطلاحات جدیدی را به همراه ساختار آن­ها یاد می­گیرد و معنی آن­ها را آسان­تر حدس می­زند و با درگیر شدن هم­زمان هر دو نیمکره­ی راست و چپ مغز او، یادگیری معنادار و طولانی­مدت اتفاق می­افتد و مانع حفظ کردن سطحی و طوطی­وار و فراموشی زود هنگام لغات می­شود. جذابیت این روش با افزایش انگیزه از سختی­های زبان­آموزی می­کاهد و آگاهانه و ناخودآگاه فارسی­آموز را ترغیب به یادگیری بهتر و سریعتر زبان فارسی و ساختار آن می­نماید.
* **یادگیری تلفظ صحیح لغات:** در تصنیف­ها و ترانه‌های یک موسیقی، معمولاً عبارات، واژه‌ها و الگوهای صدایی چندبار تکرار می‌شوند. بنابراین یادگیری لغات فارسی با موسیقی علاوه بر این­که به حدس، درک و جاافتادن معنی آن لغات در ذهن می­انجامد، منجر به یادگیری و حفظ لغات و تلفظ صحیح آن­ها نیز می­شود. چرا که با شنیدن مداوم تلفظ درست لغات، ریتم، اوج و فرود و ضرب‌آهنگ لهجه­ی زبان فارسی نیز بهتر درک و یاد گرفته و لغات بهتر و صحیح­تر به خاطر سپرده می­شوند به­ویژه اگر با همخوانی فارسی­آموزان همراه شود. زیرا با این کار با ریتم و نوای آهنگ هماهنگ می‌شوند و حالت دهان‌شان در ادا کردن واژه‌ها و عبارات با شکل واقعی تلفظ، تطابق بهتری پیدا می‌کند.
* **تقویت مهارت حفظ، گوش و صحبت کردن:** هر چه دروندادهای شنیداری موسیقایی-کلامی فارسی­آموز بیشتر شود، مهارت شنیداری، صحبت کردن و قدرت بیان او نیز افزایش می­یابد. به­ویژه تأثیر موسیقی با کلام بر قدرت کلام فارسی­آموز وقتی بیشتر می­شود که جذابیت ملودی و نوع موسیقی و متن تصنیف و ترانه و شعر منجر به همخوانی و حفظ کلام خواننده و مرور آن در ذهن و تکرار آن بر زبان فارسی­آموز شود.
* **تقویت مهارت نگارش:** یادداشت همزمان متن تصنیف و ترانه هنگام گوش دادن به موسیقی به نوعی دیکته­نویسی و تقویت مهارت نگارش است. البته می­توان برای تقویت مهارت نوشتن فارسی­آموزان، آن­ها را تشویق به نوشتن متنی هم­راستا با موضوع تصنیف و ترانه­ای که شنیده­اند نمود.
* **یادگیری زبان محاوره­ای و تقویت درک فرهنگ، مفاهیم و اصطلاحات زبان فارسی:** موسیقی کلامی بیانگر مفاهیمی برگرفته از دل جامعه و اغلب به زبان محاوره­ای است که این امر آن را دلنشین­تر و ماندگارتر می­سازد. فارسی­آموزان با درک مفاهیم موجود در کلام خواننده با فرهنگ و زبان هم­زمان آشنا می­شوند. از آن­جا که زبان چیزی جدا از فرهنگ و هنر یک جامعه نیست، موسیقی کلامی می­تواند کارکردی مؤثر بر تقویت درک و شناخت فارسی­آموزان از جامعه­ی زبانی، فرهنگی و هنری فارسی­زبانان باشد. البته در آموزش به خارجیان باید پیوندهای فرهنگی، زبانی و هنری ملل را نیز در نظر گرفت و آن را مستحکم­تر ساخت تا به فهم مشترک رسید و از بدفهمی­ها و کج­فهمی­ها پیشگیری نمود.
* **تقویت مهارت گفت­وگو و توانش ارتباطی:** متن و موضوع و مضمون تصنیف و ترانه­ی موسیقی باکلام می­تواند به عنوان موضوع بحث برای تقویت مهارت گفتگو و توانش ارتباطی و افزایش درک متن و آموزش نکات (آوایی، دستوری، واژگانی، معنایی، کاربردی و ...) زبانی، فرهنگی و ... استفاده شود.
* **تقویت مهارت تطبیقی:** با ترغیب فارسی­آموزان به مقایسه­ی آهنگ­ها و ترانه­های فارسی با آهنگ­ها و ترانه­های زبان مادری خودشان می­توان توانایی و مهارت تطبیقی آن­ها را تقویت و آن­ها را از تفاوت­ها و شباهت­های زبانی، موسیقایی و فرهنگی هر دو جامعه­ی زبانی-موسیقایی (فارسی و مادری) آگاه و اشتراکات را برجسته و از تداخلات زبانی-فرهنگی پیشگیری نمود.
* **تقویت درک ادبی-موسیقایی**: از طریق تلفیق ادبیات با موسیقی و بهره­گیری از اشعار شاعران پارسی­گوی در موسیقی کلامی درک و توانش موسیقایی و ادبی فارسی­آموزان همزمان تقویت می­شود. همچنین، خواندن متن به­ویژه متون ادبی اگر با موسیقی همراه شود تأثیر مضاعفی بر درک مطلب فارسی­آموزان خواهد گذاشت.
* **تقویت تمرکز و جلب توجه**: هیچ چیزی به اندازه­ی یک موسیقی خوب توجه زبان‌آموزان را جلب نمی‌کند. به‌طور حتم در طول یادگیری زبان برخی زبان­آموزان به راحتی متمرکز و متمایل و علاقه­مند می‌شوند ولی برخی فراگیران در درک نکات زبانی (واژگان، دستور، تلفظ، و ...) که ارائه می‌شود، کمی احساس سختی و بی­رغبتی خواهند نمود. با استفاده از موسیقی می‌توان به فارسی­آموزان خارجی کمک کرد راحت­تر و لذت­بخش­تر زبان فارسی را یاد بگیرند و به خاطر بسپارند. به علاوه، آن فارسی­آموزانی که به درستی دقت و تمرکز نمی‌کنند با این روش توجه آن­ها جلب و رغبت به یادگیری در آن­ها تقویت می‌شود.
* **تقویت انگیزه:** برخی از فارسی­آموزان خارجی به دلیل خجالتی بودن یا نداشتن اعتماد به نفس، صحبت کردن برایشان مشکل است که موسیقی و آواز خواندن با دیگر فارسی­آموزان علاوه بر تقویت زبان فارسی و مهارت صحبت کردن آن­ها و یادگیری ریتم می­تواند باعث کاهش اضطرابشان شده و انگیزه­بخش و کمک کننده باشد. علاوه بر این، یادگیری زبان فارسی همراه با گوش دادن و خواندن با یک آهنگ، بسیار جذاب­تر و لذت­بخش­تر خواهد بود. و ...

برای یادگیری زبان فارسی از طریق موسیقی آوازی علاوه بر توجه به بحث غنایی موسیقی در یادگیری فارسی باید به غنای آموزشی شعر، علاقه­ی فارسی­آموزان و متناسب بودن شعر (از نظر آوایی، واژگانی، دستوری و ...) با اهداف آموزشی و سطح زبانی، سن، سلیقه و ... فارسی­آموزان توجه شود و مطابق مراحل تقویت مهارت­های زبانی، یادگیری زبان فارسی از طریق موسیقی آوازی نیز در سه مرحله­ی پیش (آماده­سازی)، هنگام (تمرین) و پس از موسیقی (تکرار و انجام) و ترجیحاً با همخوانی و هم­آوازی گروهی و ارائه­ی تصاویری مرتبط با موضوع و مضمون شعر برای درک بیشتر و تثبیت شعر و مفاهیم آن در ذهن فارسی­آموزان صورت پذیرد.

بنابر آن­چه ذکر گردید، موسیقی در آموزش زبان مهم است و از آن­جا که مغز از مکانیزمی مشابه برای پردازش ریتم در موسیقی و گفتار استفاده می­کند درک ارتباط بین ریتم در گفتار و موسیقی به آموزش زبان از طریق موسیقی کمک می­کند و می­تواند در یادگیری مهارت­های زبانی نقش به­سزایی داشته باشد. بنابراین می­توان با استفاده از موسیقی در کلاس­های فارسی­آموزی از فواید آن بهره­مند شد و با استفاده از نتایج این پژوهش و نشان دادن تأثیر موسیقی به­ویژه موسیقی آوازی در فارسی­آموزی، نظام آموزش زبان فارسی به غیرفارسی­زبانان (آزفا) و مراجع و افراد مرتبط از طراحان محتوا تا مدرسان و فارسی­آموزان را از فواید به­کارگیری آگاهانه و هوشمندانه­ی موسیقی به­ویژه موسیقی آوازی در فارسی­آموزی آگاه نمود. چرا که کلید یادگیری زبان، آموزش از طریق ابزارها، روش­ها و تکنیک‌های مفید است و از آن­جا که موسیقی زبانی جهانی است، «آموزش تلفیقی موسیقی و زبان فارسی» روشی مفید است که فارسی­آموزان ملل مختلف می‌توانند با آن ارتباط برقرار کنند. بنابراین موسیقی به­ویژه موسيقي آوازي و تصنيف و ترانه راهی میانبر و پربازده و وسيله­ای جذاب و ابزاری خوب و راه حلی بهینه برای یادگیری ریتم و ملودی دلنشین و گوشنواز زبان شیرین فارسی و هموار نمودن مسیر پر پیچ و خم و ناهموار فارسی­آموزی و تسریع و تسهیل فرآیند یاددهی-یادگیری و سهولت دستیابی به اهداف آموزشی از جمله به دست آوردن توانش شِبه­بومی[[13]](#footnote-13) ایرانیان است.

**6. نتیجه­گیری**

تار و پود جان ایرانیان با شعر فارسی گره خورده است. علاوه بر این، در فرهنگ ایرانی شعر با موسیقی عجین شده و روحی یکپارچه از ذوق زیبایی‌شناسی خاص ایرانی به آن بخشیده است. اشعار پارسی اگر با آهنگ هم­آهنگ شوند دلنشینی آن­ها صد چندان خواهد شد. در پژوهش حاضر به فواید و تأثیر موسیقی آوازی در یادگیری زبان فارسی پرداخته شد. امری که فارسی­آموزان خارجی را با جوانب دیگر از جمله ادبی و موسیقایی زبان فارسی آشنا می­سازد.

موسیقی مانند زبان یکی از طرق اظهار آگاهانه، برقراری ارتباط، بیان و انتقال مفاهیم و احساسات و پیوند میان اذهان و قلوب انسان­هاست. به کمک موسیقی است که انسان­ها حالات و هیجانات درونی خود را بیان می‌دارند. بنابراین می­توان گفت موسیقی زبان دل و ترجمانی از عواطف روحی انسان­ها به زبان موسیقایی است. ارتباط موسیقی و زبان انکارناپذیر و پیوندشان ناگسستنی است. چرا که در هر دو حالت چه هنگامی‌ که موسیقی و یا کلامی را می‌شنویم، صداهایی را می‌شنویم که ملودی‌ خاصی دارند و اغلب این ملودی‌ها مسئول انتقال معانی و مفاهیم هستند. در واقع آن­چه زبان را به موسیقی پیوند می­دهد تنها وجود مفاهیم مشترک نیست بلکه حضور خود موسیقی در زبان است. کلمات با ویژگی‌های خاص آوایی و موسیقایی خود انتقال معنا را تقویت و تسهیل می­نمایند؛ عناصر موسیقایی نهفته در زبان، مانند ریتم، ملودی و لحن، مهم‌ترین و ابتدایی‌ترین بستر برای شروع یادگیری زبان موسیقایی و موسیقی زبان‌ است.

بسیاری از مشکلات و نارسایی­های موجود در آموزش مهارت­های شنیداری و گفتاری فارسی­آموزان به عدم همخوانی و ناهمگونی آهنگ زبان مادری آنان و زبان فارسی مربوط است چرا که فارسی­آموز، در به­کارگیری زبان فارسی به صورت ناخودآگاه و ناآگاهانه از الگوهای آوایی و لحنی زبان مادری خود استفاده می­کند. یادگیری موسیقی زبان فارسی به­ویژه اگر با آهنگی هماهنگ شود که به جاافتادن لحن، ملودی و ریتم کلام منجر شود مطمئناً به بهبود و حل این مسأله کمک می­نماید. بنابراین توصیه می­شود به «آموزش تلفیقی موسیقی و زبان فارسی»، زبان موسیقایی و موسیقی زبان فارسی توجه ویژه­ای شود و پژوهشگران هر چه بیشتر تأثیر مثبت موسیقی به­ویژه موسیقی آوازی بر فارسی­آموزی را از ابعاد گوناگون بررسی و اثبات نمایند. زیرا چشاندن لذت یادگیری زبان فارسی با موسیقی به فارسی­آموزان خارجی به­گونه­ای که از موسیقی خود زبان فارسی نیز استفاده شود انگیزه، بازدهی یادگیری و یادداری را افزایش خواهد داد.

**فهرست منابع:**

**بهرامی، کاوه.** (1400). نقش موسیقی در یادگیری زبان آلمانی به عنوان زبان خارجی: پژوهشی بر پایه تحلیل کتب آموزشی. *مجله پژوهش­های زبان­شناختی در زبان­های خارجی.* دوره یازدهم، شماره سوم. 375-392.

**جعفری روحی، وحیده.** (1388). *تأثیر موسیقی در آموزش زبان فارسی*. پایان­نامه کارشناسی ارشد در رشته آموزش زبان فارسی. دانشگاه پیام نور، تهران.

**صاحبدل، سکینه. و خدادوست، محمدرضا.** (1393). تأثير موسيقي پس زمينه هنگام خواندن صامت روي درک مطلب فراگيران ايراني انگليسي به عنوان يک زبان خارجي. *پژوهش هاي آموزشي و كاربردي زبان انگليسي*، دوره 7، شماره 14، 102-119.

**خالقي، روح­الله.** (1381). *سرگذشت موسیقی ایران*. تهران: انتشارات محور.

**دشتی، بهنوش.** (1381). درک جملات موسیقی و کلام. *تازه­های علوم شناختی.* سال چهارم، شماره سوم، 74-76.

**دهلوي، حسين.** (1385). *پيوند شعر و موسيقي آوازي*. تهران: مؤسسه فرهنگي-هنري ماهور.

**شفيعي‌كدكني، محمدرضا.** (1386). *موسيقي شعر.* تهران: مؤسسه انتشارات آگاه.

**صادقی فسایی، سهیلا. و عرفان­منش، ایمان.** (1394). مبانی روش­شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی، مورد مطالعه: تأثیرات مدرن شدن بر خانوادۀ ایرانی. *مجلۀ راهبرد فرهنگ*، 29، 61-91.

**طلایی، داریوش.** (1393). زبان موسیقایی عناصر تشکیل دهنده موسیقی ایرانی: مُدها، ریتم‌ها و نحو. *مجله کیمیای هنر.* دوره سوم، شماره یازدهم، 5-35.

**عبدالعلی پور، شعله.** (1399). سیر تصنیف در شعر فارسی از آغاز تا نهضت مشروطه. *فصل­نامه­ی مطالعات زبان فارسی (شفای دل سابق)*، سال سوم، شماره پنجم، 149-167.

**علامی، ذوالفقار. و ستوده­نیا، محیا.** (1395). بررسي روابط متقابل تغزل سعدي و موسيقي آوازي ايران. *مجله فنون ادبی*. دوره 8، شماره 2، 99-85.

**قاسم­زاده، فرناز. و مدرسی، قاسم.** (1393). بررسي تأثير موسيقي کلاسيک موتسارت بر کيفيت ترجمه دانشجويان مترجمي زبان انگليسي و ارتباط آن با ويژگي شخصيتي درونگرايي و برونگرايي. *پژوهش هاي آموزشي و كاربردي زبان انگليسي.* دوره 7، شماره 15، 52-70.

**محمدزاده، علی. و سجادی، ابتسام.** (1397). تأثیر موسیقی بر عملکردهای شناختی و درک گفتار: مقاله مروری. *فصل­نامه علمی-پژوهشی طب توانبخشی*، 8(2)، 243-234.

**محمدی کله­سر، علیرضا. و رضایتی کیشه­خاله، محرم.** (1388). تاثير ويژگي­هاي آوايي زبان فارسي بر موسيقي آوازي. *هنرهاي نمايشي و موسيقي (هنرهاي زيبا)،* دوره اول، شماره 38، 95-103.

**مدنی­فرد، مهدی.** (1398). زبان، موسیقی و مغز. *مجله علوم اعصاب شفای خاتم،* دوره هفتم، شماره سوم. 102-110.

**ملکی، مهری. و موسوی، عبدالله**. (1400). تأثیرات آموزش مبتنی بر موسیقی بر بهبود درک شنوایی، گفتار و زبان در کاربران کاشت حلزون: یک مطالعه مروری روایتی. *مجله آموزشی-پژوهشی تعالی بالینی*، دوره یازدهم، شماره 3، 1-10.

**ناتل خانلري، پرويز.** (1386). *وزن شعر*. تهران: انتشارات توس.

**References:**

**AbdolAlipour, Sh.** (2020). Ballad in Persian poems from dawn to constitutional revolution. *Persian Language Studies Quarterly (Former Shafaye Del). 3*(5), 149-167. [in Persian].

**Allami, Z. & Sotoodeniya, M.** (2016). A study on the mutual relationship between Sa’di’s ghazals and Iranian vocal music. *Literary Arts. 8*(2). 85-99. [in Persian].

**Asmali, M. & Sayin, S. D.** (2020). Singing as an Anxiety-Reducing Strategy for Learners Struggling with Different Levels of Foreign Language Classroom Anxiety. *Baltic Journal of English Language, Literature and Culture,* *10*, 20-35.

**Bahrami, K.** (2021). The role of music in learning German as a foreign language: A textbook analysis. *Journal of foreign language research. 11*(3). 375-392. [in Persian].

**Chomsky, N.** (1965). *Aspects of the theory of syntax.* Cambridge: M.I.T. Press.

**Dashti, B.** (2002). Making sense of chords and conversations. *Monitor on Psychology. Advances in Cognitive Sciences. 4*(3),74-76. [in Persian].

**Degrave, P.** (2019). Music in the Foreign Language Classroom: How and Why? *Journal of Language Teaching and Research,* *10*(3), 412-420.

**Dolean, D.** (2015). The effects of teaching songs during foreign language classes on students' foreign language anxiety. *Language Teaching Research,* *20*(5), 638-653.

**Ghasemzade, F. & Modarresi, Gh.** (2014). The impact of Mozart music on translator students' performance and its relationship with students' extraversion or introversion personality traits. *Journal of English Language Pedagogy and Practice. 7*(15), 52-70. [in Persian].

**Hymes, D.** (1972). On communicative competence. In Pride, J.B. & Holmes, J. (Eds.). *Sociolinguistics*. Harmondsworth, UK: Penguin Books.

**Ludke, K.** (2018). Singing and arts activities in support of foreign language learning: An exploratory study. *Innovation in Language Learning and Teaching,* *12*(4), 371-386.

**Madanifard, M.** (2019). Language, music, and brain. *Shefa-ye Khatam. 7*(3). 102-110. [in Persian].

**Malarski, J. M.** (2021). Musical hearing and musical experience in second language English vowel acquisition. *Journal of Speech, Language, and Hearing Research, 64*(5), 1666-1682.

**Maleki, M. & Moossavi, A.** (2022). Effects of music-based training on improving hearing, speech and language perception in cochlear implant users: a narrative review article. *Clinical Excellence. 11*(3). 1-10. [in Persian].

**Mohammadi Kalesar, A.R. & Rezayati Kisheh Khaleh, M.** (2011). The effects of phonetic characters of persian language on vocal music. *Honarhaye Namayeshi va Moosighi (Honarhaye Ziba). 1*(38), 95-103. [in Persian].

**Mohammadzadeh, A. & Sajadi, E.** (2019). Effects of music on cognition function and speech perception: A literature review. *Rehab medical journal. 8*(2). 234-243. [in Persian].

**Murphey, T.** (1990). *Songs and music in language learning.* Frankfurt am Main: Peter Lang.

**Sadeghi Fasai, S. & Erfanmanesh, I.** (2015). Methodological principles of documentary research in social sciences; Case of study: Impacts of modernization on Iranian family. *Culture Strategy, 29*, 61-91. [in Persian].

**Sahebdel, S. & Khodadust, M.R.** (2014). The effect of background music while silent reading on EFL learners’ reading comprehension. *Journal of English Language Pedagogy and Practice. 7*(14), 102-119. [in Persian].

**Talai, D.** (2015). The musical language Elements of Persian musical language: modes, rhythm and syntax. *Kimiya-ye-Honar Quarterly.* *3*(11), 5-35.

**Wong, P. C.** (2007). Musical experience shapes human brainstem encoding of linguistic pitch patterns. *Nature Neuroscience,* *10*(4),420-422.

1. 1. grammatical competence [↑](#footnote-ref-1)
2. 2. discourse competence [↑](#footnote-ref-2)
3. 3. sociolinguistic competence [↑](#footnote-ref-3)
4. 4. strategic competence [↑](#footnote-ref-4)
5. 1. organizational competence [↑](#footnote-ref-5)
6. 2. pragmatic competence [↑](#footnote-ref-6)
7. 3. textual competence [↑](#footnote-ref-7)
8. 1. overlap [↑](#footnote-ref-8)
9. 2. precision [↑](#footnote-ref-9)
10. 3. emotion [↑](#footnote-ref-10)
11. 4. repetition [↑](#footnote-ref-11)
12. 5. attention [↑](#footnote-ref-12)
13. 1. native-like competence [↑](#footnote-ref-13)